

## خشونت کلامی و تاثیر آن بر جنبه روانی و آموزشی دانش آموزان

ایوب صلواتی<sup>۱</sup>، فاطمه معصومی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی دینی و عربی، دانشگاه فرهنگیان شهید مفتاح شهرری (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی سطح ۲ حوزوی، حوزه علمیه کوثر

### چکیده

یکی از آسیب های رفتاری که امروز بسیار شایع است، رفتارهای خشونت آمیز و پرخاشگری می باشد که در محیط های مختلف جامعه از جمله خانه و مدرسه مشاهده می شود. خشونت در کودکان و نوجوانان مشکلی است که عوارض آن نه تنها سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی آنها را به خطر می اندازد، بلکه عواقب آن کل جامعه و نسل های آتی را نیز تهدید می کند. در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، سعی بر آن است تا ضمن آشنایی با انواع، عوامل و آثار خشونت در دانش آموزان، به بررسی راهکارهای پیشگیری و درمان آن بپردازیم. نتایج پژوهش بر انجام اقداماتی همچون گسترش رفتارهای محبت آمیز در خانواده و مدارس، برخورد جدی با رفتارهای خشونت آمیز، تعمیق باورها و اعتقادات دینی و مذهبی در زمینه کنترل خشم و آموزش مهارت جرات ورزی به جای خشونت تاکید دارد. همچنین برای کاهش خشونت در مدارس بهتر است برنامه های پیشگیری از خشونت به عنوان بخشی از برنامه های آموزشی در مدارس گنجانده شود.

**واژه های کلیدی:** خشونت، سلامت روان، دانش آموزان

## مقدمه

با گسترش روابط و تعاملات انسانی و به دنبال آن پیچیده تر شدن جوامع، همه روزه شاهد رخ دادن مسائل و پدیده های اجتماعی در سطح جوامع هستیم. انسانها در کشاکش زمان و در فراز و نشیب تاریخ از این مسائل رنج برده و همواره در جستجوی یافتن عوامل اثرگذار در پیدایش آنها بوده اند تا بتوانند با کنترل و کاهش زمینه های ایجاد آنها از رویارویی با این مسائل و موضوع ها در امان باشند. در میان این مسائل اجتماعی پدیده ی گرایش به خشونت قابلیت تأمل بیشتری دارد؛ چرا که همه اجزای جامعه به گونه ای درگیر آن هستند و می تواند باعث بی نظمی و ناامنی شود. پدیده ی خشونت همانند سایر پدیده های اجتماعی دیگر تحت تأثیر عوامل مختلفی روی میدهد و به سختی میتوان آن را تنها به یک عامل محدود کرد. به همین سبب، برای ریشه یابی علل آن بحث و بررسی فراوانی میطلبد. عدم توجه به این مسأله سبب گرایش همه روزه ی افراد به ویژه کودکان و نوجوانان به خشونت شده و به دنبال آن خطراتی است که متوجه این گروه از افراد می شود. آسیب های ناشی از خشونت بسته به نوع آن گاهی جبران ناپذیرند و در بین دانش آموزان ممکن است به یک معضل دائمی تبدیل شوند.

خشونت از پدیده های کهن در رفتار اجتماعی انسان ها است. در طول تاریخ، افراد به دلایل گوناگون، از جمله به دلیل تضاد منافع با یکدیگر، درگیری های خشونت آمیز داشته اند، اما امروزه خشونت یک مشکل اجتماعی و پزشکی و یک معضل جهانی است که پیکر جامعه را فرو می ریزد و زندگی، سلامتی و شادابی افراد را تهدید می کند. خشونت جدا از عواملی مانند سن، نژاد، قومیت و ملیت رخ می دهد و بر تمامی جنبه های رفتاری، رفتاری و حرکتی فردی که مورد خشونت قرار می گیرد، تأثیر می گذارد. [۱]

در بین ادوار زندگی بشر، کودکی و نوجوانی، دوران قابلیت بالای انسان در پذیرش هرگونه رفتار اجتماعی است و به همین دلیل، کودکان و نوجوانان در مواجهه با بدآموزی های ناشی از آموزه ها، گفتارها و رفتارهای خشونت بار آسیب پذیر هستند. افزایش ناهنجاری های رفتاری در بین دانش آموزان از یک طرف بیانگر شروع ناهنجاری در سنین پایین و از طرف دیگر بیانگر تداوم آن در آینده است که در نهایت بنیان های جامعه را به مخاطره خواهد انداخت.

خشونت جزو مسائل اجتماعی حاد به شمار می رود که در تمام مناطق جغرافیایی و در میان تمام گروههای دینی، نژادی و در تمام سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می شود. گزارش های رسانه ها و نتایج پژوهش های مختلف در اکثر کشورهای دنیا نشان می دهد که خشونت در سال های اخیر افزایش یافته و جدی تر شده و شامل طیفی از اعمال عمدی خشن جسمی، روانی، عاطفی و کلامی می باشد که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود برجای می گذارد. در جامعه ی امروز به دلایلی چون گسترش فقر، عدم توجه به مسائل معنوی و انسانی، گرایش به خوشگذرانی ها، سقوط خانواده و ارزش های تربیتی و بالاخره گسترش ماشینیسیم سبب بدبینی و ترس از آینده و در نهایت خشونت و پرخاشگری شده است.

اگرچه خشونت های سطحی و غیرمداوم بخشی از ویژگی های دوران کودکی و نوجوانی به شمار می رود، اما زمانی که این مساله تداوم و گسترش داشته باشد، می تواند جامعه را با چالش مواجه سازد. امروزه روند افزایشی خشونت در میان دانش آموزان سبب نگرانی خانواده ها و متولیان امر تعلیم و تربیت شده است. [۲]. آنچه در عرصه تعلیم و تربیت اهمیت دارد، شیوع فراوان خشونت در مدارس است که با نقص در عملکرد تحصیلی، مشکلات رفتاری، بیگانگی با همسالان و مشکلات جسمی و روانی دانش آموزان همراه می باشد. خشونت علاوه بر پیامدهای منفی برای عاملان و قربانیان، هزینه های مادی و غیر مادی زیادی را به جامعه تحمیل می کند. در صورتی که می توان این هزینه ها را در راه اعتلای سازندگی و خلاقیت نوجوانان و

جوانان به کار گرفت. براین اساس، پیشگیری از گرایش کودکان و نوجوانان به خشونت، یکی از مسائل فرهنگی اجتماعی بسیار مهم درباره این قشر است.

### پیشینه تحقیق

در چند دهه اخیر به علت عواقب ناگوار رفتارهای خشونت آمیز کودکان و نوجوانان در خانواده و جامعه، مطالعات زیادی در داخل و خارج کشور در زمینه خشونت، علل، پیامدها و راهکارهای مقابله و پیشگیری از خشونت انجام شده است که هر کدام به نوبه خود به نتایج مهمی دست یافته اند

بلومارت (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان داد که اعمال خشونت آمیز حتی در میان دانش آموزان دوره ابتدایی نیز رایج است. راشکی کمک (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان داد عوامل مدرسه ای (مدیریت مدرسه، معلم و ساختار مدرس) و عوامل فرامدرسه ای (خانواده، رسانه و عوامل اجتماعی) از علل خشونت دانش آموزان هستند. یاری قلی و همکاران (۱۳۹۷) نیز عوامل خشونت در مدرسه را به سه دسته عوامل فردی، مدرسه ای و جامعه شناختی تقسیم کردند.

در زمینه روش های مقابله با گرایش به خشونت در مدارس می توان به پژوهش در تاج و همکاران (۱۳۸۸) اشاره کرد، آن ها دریافتند که آموزش مهارت های کنترل خشم در کاهش پرخاشگری و بالارفتن سازگاری اجتماعی نوجوانان موثر است. کنستانتینسکو (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که اجرای برنامه ها و مداخله های آموزشی می تواند حدود ۲۵ درصد از گرایش های تهاجمی دانش آموزان را کاهش دهد.

علمی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداختند و نشان دادند «متغیرهای بدرفتاری والدین، عدم دلبستگی به والدین، نظارت والدین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت گروهی، دوستان بزهکار و پایبندی به دستورات اخلاقی در تبیین میزان خشونت دانش آموزان سهم عمده ای داشته اند.»

کریمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی انواع خشونت کلامی و عوامل پدیدآورنده آن از نظر دانش آموزان و معلمان پرداخته و نشان داد: «خشونت کلامی در بین دانش آموزان با یکدیگر و معلمان با دانش آموزان شایع است. البته خشونت کلامی در مدارس پسرانه و در بین معلمان مرد به طور معناداری از مدارس دخترانه و معلمان زن بیشتر است. آزمون آماری  $X^2$  بین دیدگاههای دانش آموزان و معلمان و نیز دانش آموزان دختر و پسر در خصوص انواع خشونت کلامی و عوامل پدید آورنده آن تفاوت معناداری را نشان می دهد. با توجه به نتایج پژوهش، میتوان از طریق تدابیر پیشگیرانه روان شناختی تربیتی که از منظر جرم شناسی ذیل پیشگیری اجتماعی قرار می گیرد، در سطوح خانواده و مدرسه، نسبت به کاهش خشونت کلامی و نهایتاً پیشگیری از خشونتهای فیزیکی در میان نوجوانان و جوانان اقدام کرد.»

نتایج پژوهش رضا پور (۱۳۹۵) در بررسی زمینه های اجتماعی مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر بوشهر نشان داد: «بین متغیر وابسته یعنی میزان گرایش دانش آموزان به خشونت کلامی و متغیرهای مستقل جامعه پذیری، پایگاه اجتماعی اقتصادی و نظارت والدین، همبستگی وجود دارد. این متغیرها تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت کلامی در این حوزه پژوهشی می باشند.»

## روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی خشونت کلامی و تاثیر آن بر جنبه روانی و آموزشی دانش آموزان، به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

## یافته های تحقیق

خشونت به عنوان یک مسأله ی اجتماعی آثار نامطلوبی چه در زمان وقوع و چه در بلند مدت بر روح و جسم افراد باقی می گذارد. خشونت رفتاری است که در راستای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر میزند و دامنه ی آن از تحقیر و توهین تجاوز و ضرب و شتم تا تخریب اموال و دارایی و قتل گسترده است. [۳]. خشونت به چند نوع خشونت روانی، عاطفی، کلامی جنسی و سیاسی تقسیم میشود. این پدیده ی اجتماعی در مدرسه و در بین دانش آموزان از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که این گروه از افراد تحت تعلیم نهادهای تربیتی به ویژه آموزش و پرورش قرار گرفته اند که دارای برنامه و مواد درسی با عناوین نوع دوستی و گرایشهای انسان دوستانه است. رواج آسیبهای اجتماعی در بین دانش آموزان در مدارس موجب می شود این انحرافات همانند یک بیماری مسری به دیگر دانش آموزان نیز سرایت کند و خسارت های جبران ناپذیری را به سرمایه های ملی و عمومی وارد کند. این معضل، علاوه بر ایجاد هزینه های کلان مادی، موجب ناراحتی روحی و روانی خانواده ها و نزدیکان و نیز تهدیدی برای انسجام اجتماعی می شود و می تواند زمینه ساز جرایمی بزرگتر در آینده باشد.

رفتارهای پرخاشگرایانه یکی از مشکلات مهم و اساسی در هر جامعه ای است و به دلیل اهمیت آن به اینگونه رفتار در دوران کودکی و نوجوانی بیشتر توجه می شود. در کل، پرخاشگری و خشونت ممکن است به شکل های مختلفی، مانند آزار و اذیت دیگران، کتک زدن، دشنام دادن و ... جلوه گر شود و هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگری است. [۴]

پژوهشگران عوامل ایجاد رفتارهای فرد را به سه دسته تقسیم می کنند :

## الف) عوامل درونی یا انگیزشی.

این عوامل باعث ایجاد انگیزه و تمایل در فرد شده و او را به سوی رفتار پرخاشگرایانه سوق می دهد.

## ب) عوامل بازدارنده حضور این عوامل.

در شخصیت فرد از ابراز خشونت جلوگیری می کند.

## ج) عوامل موقعیتی یا محیطی.

رفتار فرد نه تنها تحت تاثیر شخصیت وی قرار می گیرد بلکه متأثر از موقعیت و شرایطی است که فرد در آن قرار دارد.

بدین ترتیب برای انجام یک عمل خشونت آمیز یا پرخاشگریانه لازم است عوامل انگیزشی بر عوامل بازدارنده غلبه نماید.

## انواع خشونت

تقسیم بندی های گوناگونی برای خشونت وجود دارد. در یک تقسیم بندی خشونت به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم شده است. [۵]

- **خشونت مستقیم** : شامل هر آنچه به چشم دیده می شود و آشکار است، مانند زد و خورد، شکنجه، تعذیب و قتل
- **خشونت غیر مستقیم** : به چشم دیده نمی شود ولی آثار آن احساس می شود مانند کینه، کدورت، بی اعتمادی، بی تفاوتی، شیطنت و عدم همکاری.

در تقسیم بندی دیگری خشونت را به انواع خشونت جسمانی، کلامی، عاطفی (روانی) و جنسی تقسیم کرده اند [۶]

### - خشونت جسمانی:

شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می تواند در نتیجه استفاده از اشیایی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق بوجود آید.

### - خشونت کلامی (عاطفی) :

از جمله لایه های زیرین خشونت، خشونت کلامی است که شامل توهین، تحقیر، تهمت، غیبت، برچسب زدن و تمسخر می باشد. خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی به عنوان لفظی که در آن یک فرد بزرگسال به خودپنداره شایستگی های اجتماعی کودک حمله می کند، تعریف شده است، که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می شود.

### - خشونت جنسی:

عبارت است از اینکه بزرگسالان یا بچه های بزرگتر از یک کودک برای ارضای جنسی استفاده کنند، که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی یک کودک یا تقاضا نمودن از کودک که یک بزرگسال را به طریق جنسی لمس کند. اشکال غیرتماسی نیز شامل در معرض نمایش قراردادن آلات جنسی در مقابل کودک یا عکسهای مستهجن از کودکان گرفتن و ... است.

## نظریه های مربوط به خشونت

## ۱. نظریه یادگیری اجتماعی

براساس این دیدگاه رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می شود. این دیدگاه به نقش خانواده و همسالان در ارتکاب خشونت اشاره دارد. باندورا مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرآیند الگوسازی فراگرفته می شوند. برگس و اکرس نیز یادگیری رفتار کجروانه را عمدتاً از طریق فرآیندهای تقویت و مکانیسم های اساسی آن یعنی تشویق و تنبیه مورد توجه قرار می دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد؛ یعنی تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش با دیگران آموخته می شود. [۷] تارد نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تأثیر مدلها و نمونه ها می باشند. ویلسون و هرنشتاین، محیط خانواده و تجربه های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهمترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای کجروانه یا خشن به حساب می آورند. [۸]

بنابراین براساس دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی می توان گفت که خانواده هایی که در آن والدین با هم اختلاف دارند، شیوه های تربیتی و انضباطی خشن و خشک داشته، با بچه ها بدرفتاری می کنند فرزندانشان نیز احتمال بیشتری دارد که مرتکب اعمال خشونت آمیز شوند. همچنین داشتن همسالان بزهکار و رابطه با آن ها و تنبیه در مدرسه احتمال خشونت آن ها را افزایش می دهد.

## ۲. نظریه کنترل اجتماعی

به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. [۹]. از نظر وی درجه قبول ارزش ها و هنجارهای جامعه از طرف افراد به میزان پیوستگی آن ها با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوند ها از شدت اعتقادات کاسته می شود.

هیرشی چهار عنصر را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد جامعه به یکدیگر بر شمرده که موجب جلوگیری افراد از ارتکاب به خشونت و جرم می گردد. این چهار عنصر عبارتند از :

- دلبستگی یا تعلق خاطر به خانواده، دوستان و جامعه
- تعهد به هدف های قراردادی و مرسوم جامعه
- مشارکت و درگیر بودن در فعالیت روزمره
- اعتقادات و باورهای فرد به قواعد اخلاق و اجتماعی.

وی همچنین بزهکاری را حاصل شکست کنترل های اجتماعی هر فردی می داند. از نظر او کنترل اجتماعی شامل کنترل های مستقیم اعمال شده از طریق ابزارها و وسایل بازدارنده و مجازات ها، کنترل درونی یا آنچه که وجدان نامیده می شود،

کنترل غیرمستقیم مرتبط با سیمای ظاهری و رفتار والدین و دیگران نیز ابزارهای مشروع و قابل دسترس ارضای نیازها را شامل می شود. [۷]

والتر رکلس معتقد است که همنوایی فرد با گروه و جامعه امری طبیعی و براساس تمایل درونی او نیست و صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می گیرد. رکلس در تئوری خود دو نوع عوامل محدود کننده تحت عنوان محدودکننده های بیرونی یا کنترل بیرونی و محدودکننده های درونی یا کنترل درونی را مطرح کرده است که به عقیده او دلبستگی موجب اجتناب فرد از کجروی خواهد شد. البته او متذکر می شود که تعلق و دلبستگی فرد به یک گروه بزهکار نیز احتمال خشونت او را افزایش میدهد. [۸]

بنابراین با توجه به نظریه های کنترل اجتماعی می توان گفت که عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، دلبستگی پایین فرزندان به والدین، پایین بودن کنترل اجتماعی غیررسمی در میزان بروز رفتار خشونت آمیز دانش آموزان مؤثر می باشند.

### ۳. نظریه فشار

نظریه های فشار مدعی هستند جرم تابعی از تضاد بین اهداف و ابزارهایی است که مردم می توانند به شیوه مشروع برای رسیدن به آن اهداف از آن ها استفاده کنند. دورکیم از پیشگامان نظریه فشار، نظریه آنومی را برای تبیین جرم و کجروی فرمول بندی نمود. از نظر او آنومی زمینه ساز مختلف ناهنجاری های اجتماعی است. [۷]

مرتن معتقد است وقتی افراد ابزارهای مشروع برای رسیدن به اهداف را نداشته باشند، احساس فشار می کنند و در نتیجه ممکن است راه های غیرقانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند. اگینز معتقد است که ارتکاب جرم فرد نتیجه مستقیم حالات منفی مؤثر از قبیل عصبانیت، ناکامی، افسردگی، ناامیدی و ترسی است که این عوامل خود نتیجه شکست در دستیابی به اهداف، گسست بین انتظارات و دستاوردها، حذف محرک مثبت یا خوشایند و وارد کردن یک محرک منفی یا ناخوشایند است. کوهن نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی، کجروی را به پایگاه اجتماعی و طبقات منسوب می کند و منشأ این رفتارها را عدم دسترسی به اهداف مورد قبول جامعه می داند. [۸]

بنابراین با توجه به نظریه فشار می توان گفت که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین والدین دانش آموزان، ناکامی، عملکرد تحصیلی پایین در ارتکاب خشونت و رفتارهای خطرناک تأثیر عمده ای دارند.

### ۴. نظریه منابع

این نظریه بر محرومیت اقتصادی - اجتماعی افراد تأکید نموده و می گوید افرادی که از محرومیت اقتصادی - اجتماعی برخوردارند برای یادگیری رفتار خشونت آمیز مستعدترند. [۱۰]

### ۵. نظریه مبادله

این نظریه در صدد است که اصول رفتارگرایی را دربرگیرد و پس از درآمیختن آن ها با اندیشه های دیگر، در مورد مسائل مورد علاقه جامعه شناسان به کارشان ببندد. از دیدگاه هومنز، کنشگر یک سودجوی عاقل است. وی در مورد آگاهی معتقد

بود که نیاز به روا نشناسی بسیار توسعه یافته تری است. همچنین او به این نتیجه رسید که فراگردهای تبدالی در سطوح فردی و اجتماعی یکی اند. هرچند قبول داشت که در سطح اجتماعی شیوه ترکیب این فراگردهای بنیادی، پیچیده تر است.

## ۶. نظریه های اکولوژیکی

نظریه های اکولوژیکی به تأثیر عوامل محیطی و اجتماعی اشاره می کنند و معتقد هستند که عوامل متعدد و اجتماعی از قبیل محیط های خانوادگی، گروه همسالان، هنجارهای اجتماعی، ویژگی های جمعیتی و عوامل فردی در خشونت افراد مؤثر می باشند. براساس این دیدگاه تضادهای اجتماعی خود ناشی از نابرابری و بی عدالتی اجتماعی است که در آن مردم به هر دو دسته فقیر و ثروتمند تقسیم می شوند. [۸]

## ۷. تئوری تعاملی تورن بری

این دیدگاه ترکیب نظریه های یادگیری و کنترل اجتماعی است که تلاش می کند توانایی جمعی آن ها را برای تبیین رفتار بزهکارانه فزونی بخشد. تئوری تعاملی مدعی است که جوانان بزهکار نظام باورهایی را شکل می دهند که با شیوه زندگی انحراف آمیزشان سازگار است. آن ها در جستجوی کسانی هستند که علایق مشترکی داشته باشند و رفتار بزهکارانه شان را تأیید کنند.

## ۸. رهیافت فعالیت روزمره

یکی از رهیافت های ساختاری - اجتماعی مهم برای تبیین جرم و خشونت، رهیافت فعالیت روزمره است که توسط لارونس کوهی، فیلسون و هیندلینگ ارائه شده است. این محققان معتقدند که جرم و بزهکاری از ترکیب سه عنصر ناشی می گردد: [۸]

- مجرمان برانگیخته
- اهداف مناسب بزهکاری
- فقدان سرپرستان لایق، توانا و کارآمد

براساس این رهیافت می توان گفت که همان متغیرها و عواملی که برخورداری فرد از مزایای زندگی را افزایش می دهند، فرصت های وقوع خشونت را هم بیشتر می کنند و این مخالف تئوری آنومی و فشار است که در آن ها عقیده بر این بود که عدم دستیابی به اهداف و فشار و ناکامی موجب بزهکاری فرد می شود.

## ۹. مدل توسعه اجتماعی

این مدل تئوری های کنترل، یادگیری اجتماعی و پیوند افتراقی را با هم تلفیق کرده است از جمله کسانی که در این زمینه کار کرده اند جوزف وایس، ریچارد کاتالانو و جی دیوید هاوکینز هستند. براساس این مدل شماری از عوامل خطرزای سطح اجتماع بعضی از افراد را برای ارتکاب رفتارهای ضداجتماعی و چه رفتارهای اجتماعی پسند را از عاملان اجتماعی کردن از قبیل



خانواده، مدرسه، مذهب و دیگر نمادهای عمومی و گروه همسالان یاد می گیرند. براساس این مدل نوجوانان و جوانان از طریق فرآیندهای زیر در ساختار جامعه، جامعه پذیر می شوند:

- فرصت های فراهم شدن برای درگیری در فعالیت ها و تعامل با دیگران
- میزان این درگیری ها و فعالیت ها
- مهارت ها و توانایی شرکت در این تعاملات
- تقویت وضع موجود برای آگاه شدن از مشارکشان در فعالیت ها و تعاملات

براساس این مدل رفتار ضداجتماعی بچه ها، به کیفیت دلبستگی شان با والدین و دیگران مهم بستگی دارد. اگر آن ها به والدین دلبستگی نداشته باشند و در عوض دلبستگی شان را با کسانی که منحرف هستند، بیشتر کنند ممکن است رفتارهای انحرافی از خود نشان دهند.

### عوامل موثر برگرایش به خشونت

با توجه به پژوهش ها و مطالعات انجام گرفته، به صورت کلی می توان عوامل گرایش به خشونت را در موارد زیر خلاصه کرد:

#### ۱. عوامل زیست شناختی :

آسیب های مغز در اثر ضربه، استفاده از الکل و مواد مخدر و بیماری هایی که مغز را تحت تاثیر قرار می دهند ( مانند سکتة مغزی، پرکاری و کم کاری تیروئید، تومورهای مغزی و ...) می توانند به رفتارهای خشونت بار منجر شوند [۱۱]

#### ۲. عوامل روان شناختی :

برخی از ویژگی های شخصیتی مانند روان رنجوری، خودشیفتگی، هیجان خواهی و برون گرایی با گرایش به خشونت ارتباط دارند

#### ۳. عوامل جامعه شناختی:

محیط های فرافردی از جمله محیط خانواده، همسالان و مدرسه نیز بر خشونت ورزی نوجوانان تاثیرگذار است. از جمله عوامل اجتماعی موثر در خشونت می توان به فقر، محرومیت، بیکاری، تبعیض و بازنمایی خشونت در رسانه های جمعی اشاره کرد [۲].

## پیامدهای خشونت

تداوم خشونت های کودکان و نوجوانان می تواند پیامدهای مختلفی بر عامل خشونت، قربانی خشونت و دیگران (به عنوان نظاره گر یا میانجی) داشته باشد. در رابطه با عوارض جسمی ناشی از خشونت مطالعات نشان می دهند احساس شدید و مکرر خشم و بروز رفتارهای خشونت آمیز، فشار زیادی را به بدن وارد می کند و می تواند در طولانی مدت به سبب بالا بودن فشار خون و ضربان قلب، مشکلات قلبی و ضعف دستگاه عصبی ایجاد کند [۱۲].

گرایش به خشونت در دوره کودکی و نوجوانی تأثیر مخربی بر شایستگی اجتماعی، کارآمدی و روابط بین فردی آنها دارد و از شکل گیری سالم هویت آنان جلوگیری میکند. کودکان و نوجوانان خشونت گرا فاقد مهارت های اجتماعی لازم برای برخورد مناسب با درگیری ها و مشاجرات بوده و به تدریج که بالغ می شوند، این ناتوانی در آن ها بارزتر می شود. آن ها برای فرار از این ناتوانی به رفتارهای خشونت آمیز پناه می برند، دچار افت تحصیلی می شوند و در بزرگسالی از همسر یا فرزندان خود سوء استفاده می کنند. این افراد معمولاً تن پرور بوده و تمایل به انجام کارهایی دارند که سود فراوان و زحمت کمی داشته باشد و در نتیجه مستعد ارتکاب جرائم مختلف اجتماعی هستند [۱۳].

تجربه خشونت در مدرسه، تأثیری منفی در زندگی قربانیان خشونت خواهد گذاشت. قربانیان خشونت، ترسو و خجالتی بوده و فاقد شهامت مقابله با مشکلات هستند. این افراد، خصوصیات خود را به فرزندان خویش منتقل کرده و حتی هنگامی که به تعادل شخصیتی رسیدند، به نحوی افراطی از فرزندان خود حمایت می کنند.

گرانرو و همکاران (۲۰۱۱) پیامدهای خشونت در میان کودکان و نوجوانان در مدارس را به صورت افت تحصیلی شدید، غیبت های مکرر از مدرسه، فحاشی نسبت به معلمان و والدین، عوارض روانی، اختلال در تغذیه و گرایش به مصرف ماری جوانا عنوان کردند. هم چنین خشونت در مدارس می تواند به مسموم کردن جو کلاس و مدرسه منجر شود و پیامدهای نامطلوبی برای معلمان به دنبال داشته باشد که از جمله این پیامدها می توان به ناکارآمدی در تدریس، پرخاشگری با سایر معلمان و کارکنان مدرسه و انتقال خشونت به سطحی فراتر از مدرسه اشاره کرد [۱۲].

## خشونت کلامی و آسیب روانی دانش آموزان

خشونت کلامی با جسمی تفاوت هایی دارد اما همچنان آزاردهنده است. در این نوع از خشونت، فردی با توهین، تحقیر، سلطه گری و کلام منفی سعی در آزار دیگری دارد. قصد فرد کنترل گر و آزارگر این است که دیگری را مدیریت کند و با استیلا بر او نگذارد که از حق طبیعی اش برای تصمیم گیری و زندگی آرام بهره ببرد. از مصادیق خشونت کلامی باید به موارد زیر اشاره کنیم:

کنترل کردن فرد؛

تحقیر دیگری؛

فریادزدن بر سر دیگری؛

ترساندن؛

قلدری کردن.

## آثار مخرب خشونت کلامی

### ۱. تغییر در رشد مغز

محیطی که کودک در آن زندگی می کند، چگونگی رشد مغز او را تعیین می کند. وقتی کودک در یک محیط امن رشد کند و مورد توجه باشد، از لحاظ احساسی پایدار پرورش می یابد. همچنین اگر یک کودک در محیط پرتنش، خشونت آمیز و ناخوشایند رشد کند همواره تحت فشار و استرس خواهد بود که همین امر روی رشد و پیشرفت مغز تاثیر منفی خواهد گذاشت. تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۱ انجام شد تایید می کند که بدرفتاری با کودکان موجب کوچک تر شدن ساختار هیپوکمپ و کاهش چین خوردگی های سطح مغز می شود. براساس این مطالعه، استرس ناشی از خشونت کلامی در دوران کودکی می تواند تعداد نورون ها در هیپوکمپ (بخشی از مغز که با تنظیم عواطف و احساسات مرتبط است) را کاهش دهد. این موضوع نشان می دهد که آسیب های ناشی از خشونت کلامی باعث تغییر ساختار مغز کودک می شود.

### ۲. کاهش اعتماد به نفس

سرزنش کردن مکرر، فریاد زدن و تحقیر کردن می تواند اعتماد به نفس کودک را کاهش دهد. اگر دائما به کودک بگویید که «در هیچ چیزی خوب نیست» می تواند باعث شود کودک کم کم به این باور برسد که واقعا در هیچ چیزی موفق نیست. این امر باعث می شود اعتماد به نفس خود در برابر توانایی هایش را از دست بدهد و در انجام کارهای جدید تردید کند.

### ۳. خود کم بینی

کودکان در سال های اول زندگی به دنبال درک این موضوع هستند که او چه کسی است و جایگاه او در این جهان کجا است. آموختن امکان نخواست داشتن مگر با آزمون و خطا. بنابراین، بسیار مهم است که او اجازه کشف کردن و امتحان کردن داشته باشد. اگر کودک همواره مورد شماتت و سرزنش بزرگترها قرار بگیرد، به این باور می رسد که تنها دلیلی که بزرگترها با آن ها بدرفتاری می کنند این است که به اندازه کافی خوب نیستند. این طرز فکر به مرور زمان باعث به وجود آمدن تفکر خود کم بینی و حقارت شده و کودک خود را در برابر همسن و سال های خودش حقیرتر و کم ارزش تر تصور می کند.

## خشونت نهاد آموزشی علیه دانش آموزان:

نهاد آموزش و پرورش در کشور با توجه تمرکزگرایی شدید که در سیاستها و قوانین خود دارد در اجرا و تدوین سیاستها و برنامه های آموزشی فاقد پشتوانه عمیق مطالعاتی و آسیب شناسانه می باشد. با توجه به رویکرد تمرکزگرایی، می توان گفت که این امر به سبب عدم توجه به اختلافات و تمایزات بین دانش آموزان چه در سطح فردی و چه در سطح کلان، سبب قرائت و

برداشت یکنواخت و تک محوری از موفقیت و پیشرفت می شود که با توجه به تنوعات قومی، زبانی و فرهنگی در کشور، این امر خود سبب دلزدگی دانش آموزان از نظام آموزشی به سبب عدم توجه به ویژگیهای فرهنگی و جغرافیایی و محیطی آنان می شود. همچنین وجود این گفتمان در سطح فردی، سبب عدم توجه به تفاوت های فردی و روانشناختی بین دانش آموزان می گردد، چرا که نگاه تمرکزگرایانه با برداشت از گفتمان خاصی از موفقیت و پیشرفت و همچنین دانش آموز موفق، سبب به حاشیه راندن سایر اشکال و گفتمانهای دیگر موفقیت و پیشرفت می شود. پیامد چنین سیاست یک سویه و تمرکزگرایانه، سبب ایجاد فشار و ناکامی در میان دانش آموزان به سبب عدم حصول به اهداف نظام آموزشی می شود که به شکل، ترک تحصیل، فرار از مدرسه، خودکشی، تخریب اموال مدرسه و کاهش کیفیت و سطح آموزش در میان آنان می گردد، به نظر می رسد برای کاهش چنین پیامدهای، ضروری است که از سیاست گذاری های تمرکزگرایانه به سوی سیاست گذاری های چندفرهنگی و توجه بیشتر به تنوعات محیطی، فرهنگی و اجتماعی دیگر مناطق کشور شود.

همچنین با توجه به چارچوب نظری تحقیق، می توان گفت که سیاست های خصوصی سازی در اقتصاد کشور در چند دهه گذشته به اجرا درآمده و منطق چنین سیاست های که در جهت کوچک سازی دولت از ارائه خدمات و گسترش نقش بازار می باشد و اعمال و کاربست این سیاست ها در آموزش و پرورش می تواند پیامدهای همچون ترک تحصیل دانش آموزان طبقات فقیر و کم درآمد از مدرسه گردد و یا دست یابی به موفقیت و مدارج تحصیلی و شغلی بالاتر را محدود به طبقات خاصی کند. گسترش مدارس غیرانتفاعی در چند دهه گذشته در کشور و اعمال سیاستهای همچون افزایش تراکم و میانگین جمعیت دانش آموزان کلاس ها، عدم تخصیص بودجه مناسب به آموزش و پرورش، در نهایت سبب کاهش کیفیت تحصیلی و فشار بیشتر بر معلمان و دانش آموزان گردیده که این امر نیز باعث خشونت ورزی در اشکال گوناگون در مدرسه گردیده است.

### خشونت معلمان علیه دانش آموزان:

بررسی چرایی خشونت معلمان علیه دانش آموزان را می توان وابسته و پیامد دلایلی چندی دانست. معلمان، به عنوان کسانی که وظیفه انتقال دانش و مهارت به دانش آموزان را بر عهده دارند به سبب عدم تاثیرگذاری بر تدوین سیاست ها و قوانین کلی و جزئی در آموزش و پرورش همچون، مشارکت در تدوین کتب و برنامه درسی و آموزشی و .. سبب از خودبیگانگی آنان از تدریس و مدرسه گردیده. معلمان به عنوان مهم ترین نقطه ثقل آموزش و پرورش چه از نظر تغییر و تحولات و چه از نظر پیامدهای سیاست-گذاری نامناسب، می توانند زمینه ساز خشونت و نیز قربانی خشونت گردند.

قطعاً، معلمان به عنوان رکن مهم آموزشی، با توجه به سلسله مراتب نیازهای مازلو، برای پیشبرد اهداف آموزشی، و تربیتی و نیز تاثیرگذاری هر چه بیشتر در کلاس و کارایی بهتر نیازمند آرامش و تامین فراغت معیشتی و شغلی هستند، ولی این امر در چند دهه گذشته همواره به عنوان یکی از موانع و دغدغه های آنان وجود داشته و دارد. عدم دستیابی معلمان به اهداف خود سبب ناکامی منزلتی آنان و در نهایت کاهش کیفیت شغلی و کاری آنان می شود و با توجه به الگوپذیری دانش آموزان از آنان، عدم توجه به نیازهای شغلی و صنفی آنان می تواند زمینه ساز بروز خشونت آنان در مدرسه گردد و بی رمقی شغلی در آنان را در پی داشته باشد. به نظر می رسد، خشونت در مدرسه نمی تواند صرفاً محدود به خشونت معلمان علیه دانش آموزان محدود گردد و این خشونت ورزی می تواند از جانب دانش آموزان و اولیاء بر علیه معلمان به سبب تنش و فشارهای ناشی از ساختارهای خشونت ورز در مدرسه تحقق یابد و خشونت دانش آموزان علیه معلمان را می توان به نوعی اعتراض و مقاومت آنان علیه سیاست های آموزشی و تربیتی در مدرسه به شمار آورد و نبود مشاوران کافی و توانمند در مدارس می تواند زمینه ساز خشونت بیشتر

آنان و بروز آسیبهای اجتماعی همچون مصرف دخانیات، پرخاشگری، ترک تحصیل و تخریب اموال مدرسه را به دنبال داشته باشد. [۱۴]

## راهکارهای پیشگیری از گرایش به خشونت

### ۱. مدارس

اطلاع و شناسایی نشانه های خشونت و ناسازگاری در سنین پایین تر و مداخله به موقع در پیش گیری و کاهش رفتارهای خشونت آمیز در مدارس بسیار مهم است که مشاور مدرسه می تواند بهترین فرد برای کسب اطلاع درباره رفتار دانش آموزان و کاهش خشونت در محیط مدرسه باشد.

از جمله روش های پیش گیری از گرایش به خشونت در مدارس، برنامه ریزی شغلی و تحصیلی برای کودکان، نوجوانان و جوانان، فراهم کردن زمینه آموزش و مشاوره کلیه کودکان و نوجوانان سنین مدرسه و خانواده های ایشان در شهرها و روستاهای مختلف و تدوین برنامه ای جامع در مدارس است. در برنامه مذکور، مسئولان مدارس باید قوانین شفاهی برای رفتارهای شایسته تهیه کنند، مجازات هایی جدی برای رفتارهای ناشایست در نظر بگیرند، از دانش آموزان قربانی خشونت حمایت کنند و افراد آموزش دیده در زمینه خشونت را به کار بگیرند. این برنامه، هم چنین می تواند شامل آموزش کودکانی باشد که دارای ناتوانی های یادگیری بوده و یا دچار کم توجهی و کند ذهنی هستند، زیرا چنین کودکانی معمولاً بیش از دیگران قربانی خشونت می شوند.

یاری قلی (۱۳۹۶) برای کاهش سطح خشونت در مدرسه در چهار سیاق مربوط به مسئولان آموزش و پرورش، معلمان، دانش آموزان و متولیان فرهنگ جامعه راهکارهایی ارائه کرده است که از جمله آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اصلاح قوانین انضباطی مدارس
- ارتقا جایگاه مشاوره و امور تربیتی در مدارس
- دوره های ضمن خدمت برای معلمان
- کلاس های آموزش خانواده برای والدین
- ارائه الگوهای مناسب رفتاری به دانش آموزان از طریق رسانه ها
- تقویت رفتارهای خودکنترلی و خودتنظیمی در دانش آموزان

از روش های دیگر پیشگیری از خشونت در نوجوانان می توان به آموزش مهارت کنترل خشم و جرات ورزی در متون درسی، تخلیه هیجان ها با برنامه های ورزشی، تفریحی و فرهنگی و نظارت بر محتوای رسانه های مورد استفاده در مدارس اشاره کرد.

[۱۵]

## ۲. خانواده و جامعه

در کنار خانواده که از نظر فرهنگ اسلامی مسئولیت اصلی در تربیت فرزند را بر عهده دارد، همسالان دارای نقش مهمی در یادگیری رفتاری او دارند. همچنین در عصر ما، رسانه ها نیز دارای کارکرد آموزشی و تربیتی هستند. [۱۶]. بنابراین، نظام تعلیم و تربیت با محوریت خانواده، همسالان، متون آموزشی، مدرسه و رسانه ها شکل می گیرد. بر این اساس رو شهای پیشگیری از خشونت در کودکان و نوجوانان با محوریت عنصر یادگیری و با ره توشه ای از مبانی اسلامی در چند محور به شرح زیر تبیین می شود :

## ۲-۱. گسترش رفتارهای محبت آمیز با کودکان در خانواده

روان شناسان معتقدند بسیاری از نابهنجاریهای نوجوانی و بزرگسالی ناشی از فقدان روابط عاطفی والدین و فرزندان و یا گونه های انحرافی این ارتباط است [۱۷]. بنابراین، رفتار عاطفی درست خانواده با فرزند در دوران کودکی، دارای نقش تعیین کننده در گرایش وی به خشونت در نوجوانی دارد. مبانی مذکور، با شایستگی کامل قابل تعمیم به مربیان به عنوان عامل مهم در تعلیم و تربیت کودک و نوجوان در کنار خانواده است.

## ۲-۲. تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشونت و آموختن مهارت جرأت ورزی

فرهنگ اسلامی، نه تنها خشونت را تجویز نمی کند، بلکه رحمت و مهربانی مؤمنین با هم را جایگزین خشونت کرده است (فتح، آیه ۲۹) و راه مقابله با خشونت را نیز عفو و گذشت می داند (آل عمران، آیه ۱۳۴؛ نحل، آیه ۱۲۶). مهارت جرأت ورزی، یعنی دفاع از حقوق خود و بیان افکار و احساسات خود. افراد جرأت ورز برای خود و دیگران احترام قائلند، آنها منفعل نیستند. اجازه نمی دهند دیگران از آنها سوء استفاده کنند و از سوی دیگر، به خواسته ها و نیازهای دیگران احترام می گذارند و به شیوه مدبرانه با آنها ارتباط برقرار می کنند. [۱۸]. تعمیق باورهای معنوی در کنترل خشونت و نیز مهارت جرأت ورزی، علاوه بر اینکه نیازمند آموزش توسط خانواده و مربیان و رسانه ها است، محتاج حضور ملموس در رفتار و عمل خانواده و مربیان است.

## ۲-۳. نظارت بر انتخاب دوست و گرایش های گروه همسالان به خشونت

یادگیری رفتار از همسالان یک اصل مهم است و پیشگیری از یادگیری رفتار خشن نیز نیازمند نظارت بر این حیطه از زندگی کودکان و نوجوانان است.

## ۲-۴. توبیخ الگوهای خشونت و پاداش نگرفتن آنها:

این رویکرد باید به عنوان یک اصل در دستور کار هر پنج نهاد تربیتی ذکر شده در یافته های پژوهش باشد. قرآن کریم، قصاص نمودن افرادی که دست به خشونت زده و به شکل نامشروع به دیگران لطمه وارد می کنند را سبب زندگی اجتماعی انسان ها دانسته است (بقره، آیه ۱۷۸). مفسران اسلامی بر جنبه پیشگیرانه این حکم الهی برای ارتکاب خشونت تأکید کرده اند و جامعه شناسان نیز نتایج اجرای حدود الهی در کنترل اجتماعی را در دو محور « تنبیه مجرم » و « عبرت سایرین » گوشزد کرده اند [۳]. همان طور که روان شناسان هم به آثار پیشگیرانه تنبیه و توبیخ الگوهای خشونت توجه دارند [۱۹]

## نتیجه گیری

خشونت یک پدیده پیچیده، پویا و چندعلتی است که شامل انواع و ابعاد مختلفی است. عوامل مختلف زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی زمینه گرایی به خشونت را در دانش آموزان دوره ابتدایی فراهم می کنند. همان طور که گفته شد بروز خشونت در محیط های آموزشی پیامدهای نامطلوبی به دنبال دارد و تداوم خشونت های کودکان و نوجوانان علاوه بر گسترش خشونت در سطح جامعه، می تواند در مسیر تحولات اجتماعی چالش برانگیز باشد و مانع تحقق اهداف فردی و اجتماعی شود و نیز ارزش های اجتماعی را با تهدید مواجه سازد، به همین دلیل ایجاد شرایط مناسب برای ارتقای بهداشت روان و توانمند سازی دانش آموزان در برابر مشکلات مذکور از جمله رسالت های آموزش و پرورش محسوب می شود. بررسی پیامدهای خشونت ورزی در نظام آموزشی می تواند ابعاد مختلفی به خود بگیرد از پیامدهای اجتماعی همچون بازتولید شدن و نهادینه شدن خشونت گرفته تا پیامدهای آموزشی و روانی همچون ترک تحصیل، افسردگی، و اضطراب را در پی داشته باشد.

بیشتر پژوهشگرانی که طرح های عمده در زمینه مقابله با خشونت در مدارس را ارائه داده اند، معتقدند مدارس بهترین و مناسب ترین مکان برای اجرای برنامه های پیشگیرانه به شمار می روند و تاکید دارند برنامه های پیشگیری از خشونت باید بخشی از برنامه های آموزشی در مدارس باشد و همه دانش آموزان باید در زمینه پیشگیری از خشونت آموزش ببینند.

مشارکت و همکاری والدین نیز نقشی حیاتی در موفقیت چنین برنامه ای دارد، بنابراین والدین نیز باید از ماهیت این برنامه ها مطلع شده و در خانه آن را اجرا کنند. از آنجایی که غالباً کودکان و نوجوانان کشور از مهارت های لازم جهت کنترل و مقابله با فشارهای روانی و موقعیت های تنش زا برخوردار نیستند و به علت این ناتوانی ها دست به ارتکاب خشونت می زنند، آموزش مهارت های زندگی به ویژه مهارت های مرتبط با کنترل و مهار خشم می تواند گامی اساسی در راستای کنترل و مقابله با خشونت باشد.

## منابع

۱. قدمی، مجید، نقش برنامه های تلویزیون و خشونت والدین بر رفتار خشونت آمیز دانش آموزان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۹ (۲)، ۱۳۹۱، ۱۲۷ - ۹۵
۲. قادرزاده، امید و قادری، بهروز. تحلیل چندسطحی خشونت ورزی: مطالعه پیمایشی خشونت ورزی دانش آموزان دبیرستانهای شهر سقز. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۵ (۱)، ۱۳۹۵، ۸۰ - ۶۱
۳. صدیق سروستانی، رحمت الله؛ (۱۳۸۹)، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات سمت، تهران
۴. ایمان، محمد تقی؛ بهمنی، لیلا؛ دلاور، مریم سادات، سنجش جامعه شناسی ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان (مطالعه موردی شهر شیراز)، علوم اجتماعی توسعه اجتماعی، دوره دهم شماره ۳، ۱۳۹۵، صص ۱۵۸ - ۱۳۹
۵. ملک احمدی، عبدالرسول (۱۳۸۷). خشونت، پیشگیری از رفتار مخاطره آمیز در جوانان و نوجوانان. اصفهان، حسین فهمیده
۶. علمی، محمود؛ تیغ زن، خدیجه؛ باقری، ربابه؛ تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، برگزیده مجموعه مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران، ۱۳۸۷
۷. رئیسی، ج؛ جوانان و ناهنجاری های رفتاری، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، شماره ۱۲، ۱۳۸۲

۸. سلیمی، ع و داوری، م؛ جامعه شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۶
۹. مشکاتی، م و سادات مشکاتی، ز؛ سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجله انجمن جامعه شناسی، دوره چهارم، شماره دو، ۱۳۸۱
۱۰. احمدی، حبیب؛ جامعه شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۷
۱۱. محسنی تبریزی، علیرضا و رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۱). سیری در مفاهیم و نظریه های خشونت، پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی-توصیفی خشونت در ورزش. نامه علوم اجتماعی، ۱۹ (۱۹)، ۱۵۳ - ۱۲۵
۱۲. یاری قلی، بهبود، حرفتی سبحانی، محمد، قصاب زاده، جواد و رحیمی، حبیب، تجربیات معلمان از عوامل زمینه ساز خشونت در مدارس: مطالعه پدیدارشناسانه. اندیشه های نوین تربیتی، ۱۳۹۷
۱۳. فرقانی رئیسی، شهلا (۱۳۸۵). شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان. چاپ چهارم. تهران: وزارت آموزش و پرورش
۱۴. قادر یوسف نژاد، بررسی علل و اشکال خشونت ورزشی در نظام آموزشی، ۱۳۹۶،  
<https://www.hanakhabar.ir/news.php?id=204CD211&news>
۱۵. همدانی، مصطفی، روش های پیشگیری از گرایش نوجوانان به خشونت، دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیبهای اجتماعی، دانشگاه شاهد، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹
۱۶. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۶)، وسایل ارتباط جمعی، چ ششم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
۱۷. محسنی، منوچهر، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی عمومی، چ هفدهم، تهران: نشر طهوری
۱۸. خنیفر، حسین و مژده پورحسینی، (۱۳۸۷)، مهارت های زندگی، چ چهارم، قم: نشر هاجر
۱۹. کریمی، یوسف، (۱۳۸۹)، روان شناسی یادگیری، چ دوازدهم، تهران: پیام نور